

## وزرای اقتصادی دولت پنجم و ششم از هاشمی رفسنجانی می‌گویند

# مرد بزرگها

شهروند شاید بشود گفت نام اکبر هاشمی رفسنجانی بیشتر از هر سیاستمدار ایرانی سال‌های پس از انقلاب، با اقتصاد گره خورده است. دولت او در سال‌های بحرانی پس از جنگ روی کار آمد و مهم‌ترین هدف‌گذاری خود را بازسازی اقتصاد زمین‌خورده کشور قرار داد. روزهایی که مردم در صف‌های طولانی برنج و روغن کوپنی می‌ایستادند و کپسول‌های گاز و گالن‌های نفت را از وانت‌بارهایی می‌خریدند که در کوچه و خیابان‌های شهر به راه می‌افتادند. سال‌هایی که تمام کارخانه‌های ایران از بمباران در امان نمانده بودند. سال‌هایی که تنها ۷ تا ۶ میلیارد دلار در آمد نفتی داشتیم و دو برابر آن بدهی ارزی. آن روزها تورم کشور به بالاتر از ۴۰ درصد رسیده بود و گرانی سوزناک ثابت‌تاز و کاریکاتورهایی بود که روی جلد نشریه معروف گل آقا به چاپ می‌رسید. با این حال، هاشمی مرد روزهای سخت، بعد از رهایی از زندان و شکنجه ساواک و فرماندهی جنگی طولانی، داوطلب شد تا به صحنه بیاید و کابینه دولت در آن سال‌های دشوار اقتصادی را تشکیل داد. او نه تنها تلاش کرد با اجرای سیاست‌هایی مانند تکنز-خی کردن ارز، کاهش کسری بودجه، اصلاح نظام مالیاتی و حذف یارانه‌ها اقتصاد ایران را ساماندهی کند که در آن سال‌ها دست به بازسازی جسر راه‌های آزاد بنیان‌گذار اقتصاد آزاد در ایران شناخته شد و تلاش کرد تا زیرساخت‌های مستهلک شده اقتصاد کشور در زمان جنگ را بهبود دهد. برای همین دولت او به دولت سازندگی معروف شد. گرچه هاشمی هم مانند تمام هم‌تایان خود از نقدهای گاه تندتیز اقتصادی در امان نماند و در مواردی مسیر حرکت دولت او در اقتصاد منحرف شد، اما واقعیت این است که او همیشه در بزنگاه‌های کشور حاضر بود. در ادامه بخشی از سیاست‌های اقتصادی دولت هاشمی در سال‌های ۶۸ تا ۷۶ را به روایت خود او و وزرای اقتصادی اش می‌خوانیم.

اکبر هاشمی رفسنجانی درباره مدیریت اقتصاد ایران در دولت پنجم و ششم روایت متفاوتی دارد که این روایت با گذشته‌هایی از مصاحبه‌های او با نشریات کشور در ادامه می‌آید. برش‌های مصاحبه اقتصادی هاشمی به انتخاب اتاق بازرگانی تهران است. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در گفت‌وگویی با مجله همشهری ماه شرایط آن روزها را این‌گونه توصیف کرد: «... کسری بودجه و فروش نفت هر بشکه ۷ تا ۱۰ دلار آن هم در شرایط تحریم و شسرت‌های بیگانگان. شرایط نامحتملی می‌کند ولی اولین دوره ریاست‌جمهوری من یعنی از سال ۶۸ تا ۷۲ در بین همه ادوار ریاست‌جمهوری چون از جنگ فارغ شده بودیم و به سزاندگی روی آوردیم بهتر است، البته به دو دلیل: اول این که خودم رئیس‌جمهوری بودم و به‌کرات از عملکردم مستعد می‌کردم و دوم جدایی از این در سال ۶۸ در فاجعه ریاست‌جمهوری را قبول کردم که بودجه کشور به صورت رسمی ۵۱ درصد کسری داشت.» آیت‌الله همچنین در گفت‌وگویی با روزنامه کیهان گفت: «وقتی دولت من شروع به کار کرد، وضع و شرایط کشور بود. از لحاظ اقتصادی پیش از آن در درصد کسری بودجه داشتیم که آن را هم بانک مرکزی به دولت می‌داد.

منبعی برای تأمین آن نداشتیم. هزینه‌های هم داشتیم که نمی‌توانستیم صرف‌فروشی کنیم. عمده‌هزینه‌های جاری و روزانه بود. وضع ارزی کشور بسیار بد بود. ۷ میلیارد دلار درآمد و ۱۲ میلیارد دلار بدهی ارزی داشتیم که نوعا جنس‌های مصرفی را خریده بودیم و اکثر نقد یا نسیه یک‌ساله بود.»

اکبر هاشمی رفسنجانی در ادامه مصاحبه خود با روزنامه کیهان تأکید کرد: «... لحاظ روحی هم به خاطر جنگ و شرایطی که پیش آمده بود، خیلی‌ها نوعی سرخوردگی داشتند. داخل کشور بسیاری از نیازها به خارج وابسته بود. انبارها خالی و کارخانه‌ها فرسوده بود و کار و تولید نمی‌کردند. قطعات و مواد نداشتند. معلوم بود که این وضع قابل دوام نیست و نمی‌توانیم با آن سیاست کشور را بگردانیم. شاید عمده‌دلیلی که من آمدم به خاطر این بود که امام، رهبری و مجلس از افکار من آگاهی داشتند و فکر می‌کردند شاید این افکار نجات‌بخش باشد. تا آن موقع برنامه مصوب نداشتیم و قبل از آمدن، برنامه مصوب درست کردیم. آن برنامه در مجلس تصویب شد و اکثریت مجلس هم با جناح ما موافق بود. ما برنامه جامع سازندگی که ابعاد فرهنگی،

## اکبر هاشمی رفسنجانی از مدیریت سال‌های پس از جنگ روایت کرد اقتصاد ایران در شرایط سرخوردگی

اقتصادی و اجتماعی را در برمی‌گرفت، وارد عمل شدیم. نیروهای مناسبی را که اهل کار می‌دانستیم، انتخاب کردیم که شعاری عمل نکنند و واقعا کار کنند. خط و جناح را در دولت دخالت ندادیم و در نتیجه دولت معتدلی تشکیل شد. در واقع نه چپ و نه راست و به تعبیری هم چپ و هم راست بود. یعنی معتدل بودند. کسانی که بودند، با ما تعهد کاری داشتند و فکرشان هم برای خودشان و ما محترم بود. همه چیز راه‌پایه کردیم که تحولی ایجاد شود.

بیکاری پدید می‌آید رئیس‌جمهوری دولت سازندگی به وضع اشتغال کشور در سال‌های پس از جنگ گریزی زده و گفت: وضع روابط خارجی ما خوب نبود. معلوم بود منابع داخلی کافی نیستند و باید از خارج تریق کنیم. بیکاری فوق‌العاده‌ای داشتیم. ظاهرش ۱۵/۵ درصد بود، اما نیروهای از

جنگ‌گیر گشته اضافه می‌شدند. آنهایی که به پشت جبهه برای جنگ کار می‌کردند، شغل جدید می‌خواستند. کسانی هم که ظاهرا کار می‌کردند، واقعا با زده‌ی خوبی نداشتند. در چهار استان کشور عملا به خاطر جنگ، کاری صورت نمی‌گرفت و میلیون‌ها آواره جنگی داشتیم. با توجه به همه اینها، همان مجلس رادیکال در برنامه تصویب کرد که باید در پنج سال ۱۲۵ میلیارد دلار هزینه کنیم تا وضع عادی شود. معلوم بود که بیش از ۶۰ میلیارد دلار نداریم. پس از برای ما مهم بود که می‌بایست ۴ استان مخروبه را از نوسازی، عملاً در برنامه اول ۹۶ میلیارد دلار خرج کردیم. حدود سسی و چندمیلیارد را به صورت فاینانس از خارج گرفتیم. هم به بازسازی کردیم، هم هزینه‌ها ساختیم. هم تورم کنترل شد و هم نرخ بیکاری به سرعت پایین آمد. سیاست‌های اعتدالی که اسمش را «تعديل»



گذشت و سیاست کلی بود. امروز این سیاست‌ها را همه می‌گویند قبول دارند. بحث خصوصی‌سازی هنوز آن‌گونه که می‌بایست باشد، انجام نشده است. دوتن‌خی بودن ارز، کمی در حال حل شدن است و هنوز هم مشکلاتی داریم. یارانه‌ها در سیاست یارانه‌ای جهت‌دار شد و هنوز هم حل نشده و در سوخت و مسائل دیگر مشکل داریم. فکر می‌کنیم باید بالاخره این یارانه‌ها را به‌عنوان یک به‌عشر مصرف‌کننده بالا داده می‌شد. تعدیل شود. علاوه بر ۲۵ میلیارد دلار از خارج بیاییم و مشکلات زیربنایی، آب، برق، راه، راه‌آهن، مخابرات، کارخانه‌های اساسی، صنایع فولاد، پتروشیمی و گاز را راه‌اندازی کنیم. چند وقت قبل که برای جلسه خبرگان میهمان آقای خاتمی بودیم، ایشان در سخنرانی خودشان گفتند که اگر سازندگی‌های دوران هاشمی نبود، ما الان بحران واقعی داشتیم. درست هم است. مثلاً در برق وقتی که کار فرشته، بیست درصد ذخیره داشتیم که دیگر قطع برق معنا نداشت. یعنی در سایه آن سیاست توانستیم تأمین کنیم و بدهی را هم موقع بروزازیم. من بر آن سیاست‌ها شکلی نمی‌بینم. اگر شما اشکال مشخصی می‌بینید مطرح کنید.»

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در گفت‌وگویی با روزنامه کیهان درباره سیاست‌های اقتصادی دولت‌هایش گفت: «سیاست‌های دولت چند پیکان مشخص داشت: یکی این که نرخ ارز که ۷ تومان رسمی و دولتی و ۱۷۰ تومان در بازار آزاد شده بود، درست نبود و آثار منفی و خسارات و ضررهایش را خیلی می‌دیدیم و باید آن را به هم نزدیک می‌کردیم. یکی سیاست توزیع کوپنی را که همه چیز کوپنی باشد و دولت مسئول سوزن، ملحفه، قاشق و چنگال باشد و وارد کند و با قیمت دولتی به مردم بدهد، کم کنیم. یکی این که دولتی کردن همه چیز بیست دست بخش خصوصی تعدیل شود. پیکان دیگری هم داشت که اینها پیکان‌های اصلی سیاست تعدیل بود. آن موقع هم با رهبری این مسائل راحت کردیم و ایشان هم با عمده اینها موافق بودند. البته قبل از من، رهبری این عقاید را در زمان دولت آقای موسوی داشتند. یعنی افکار ایشان هم تأثیر

## پیشرفت کشور را عقب نینداخت

یحیی آل‌اسحاق | وزیر بازرگانی دولت هاشمی



شهروند | جنگ تازه تمام شده بود. خسارتی که از جنگ برآورد می‌شد، حدود یک هزار میلیارد دلار بود. تمام زیرساخت‌های اقتصادی، نیروگاه‌ها، پالایشگاه‌ها، راه‌ها و همه و همه آسیب‌دیده بود. از طرفی مردم شرایط سختی پشت سر گذاشته بودند، از انقلاب تا هشت سال جنگ و داغ‌دیدن باعث شده بود از دولت انتظار ویژه برای ترمیم خسارت‌ها و آبادانی کشور داشته باشند. این موضوع علاوه بر جنگ، بار مضاعفی به دوش دولت آقای هاشمی تحمیل می‌کرد. با این وجود، دستمان خالی بود و شرایط سرمایه‌گذاری، توسعه و ترمیم به راحتی فراهم نبود. در این شرایط برای بهبود اقتصاد کشور ۳۰۰ هزار تنه مطرح بود. این که از پس‌اندازمان استفاده کنیم، قرض بگیریم یا کم کنیم. پس انداز که حاصل‌انداشتیم، تمام ارزی که در آن دوران در دستمان بود، تنها ۱۰ میلیارد دلار بود که آن هم به صورت یونانس یا همان تسویه فراهم شده بود. استقراض هم که دیگر نمی‌توانستیم و نمی‌خواستیم داشته باشیم. از سوسی دیگر تحریم هم به اقتصاد کشور سایه انداخته بود. بنابراین چاره‌ای نداشتیم جز این که مصرف را پایین بیاوریم. آن زمان وزارت بازرگانی تحت مدیریت من بود. تمام اعتباری که در اختیار این وزارتخانه بود، ۳ میلیارد دلار بود و باید ۱۰ هزار قلم کالا تأمین می‌شد. از کجا؟ تمام واحدهای تولیدی در جنگ آسیب‌دیده و تخریب شده بودند و ناچار شدیم دست به واردات بزنیم. از روغن و مرغ گرفته تا سیم خاردار! در آن شرایط آقای هاشمی هم رئیس‌جمهوری بود، هم به‌عنوان فرمانده از یک جنگ طولانی بازگشته و باید سیاست خارجی و مسائل پس از جنگ را مدیریت می‌کرد. از سوسی دیگر باید وضع اقتصادی کشور بعد از جنگ ساماندهی می‌شد. فشار بسیار سنگینی روی او و مدیرانش بود. آن روزها در بحث‌های اقتصادی تصمیم گرفتیم واردات کالاها را مصرفی را کم کنیم و با پولی که در اختیار داشتیم، ماشین‌آلات به کشور وارد کنیم تا کارخانه‌ها دوباره احیا شوند. آن زمان نیاز کشور به لاستیک ۲۰۰ هزار تن بود اما تنها ۱۲۰ هزار تن وارد کردیم تا بتوانیم ۱۰ کارخانه تولیدی لاستیک احداث کنیم. حاصل این اقدامات این بود که فشار سنگینی به مردم وارد نشود و تورم ۴۰-۳۰ درصدی رخ دهد. مردم خسته از جنگ، رسانه‌ها و مجلس به دولت فشار می‌وردند و باعث شد که من شخصا پیش آقای هاشمی بروم و بگویم: شما می‌بینید که وضع چگونه است و امکانات محدود است. اجازه بخشی از سرمایه‌گذاری‌ها و برنامه‌های اقتصادی در دولت بعد اجرا شود و ضرب‌الاجل ۳ ساله برای آن در نظر بگیرد. هاشمی جوابی داد که هرگز یادم نمی‌رود و برای آن جواب احترام و بی‌زاری قلمم او گفت: حرف آل‌اسحاق درست است اما من نمی‌دانم بعد از ما چه کسی بر سر کار می‌آید و آیا می‌تواند و می‌خواهد کشور را توسعه بدهد یا نه؟ بنابراین به سختی هاسبر کتید و بگذارید کار انجام شود و کشور جلورود.

## مدیران هاشمی قاتل پول بودند تا خالق پول

محمد غرضی | وزیر پست و مخابرات دولت هاشمی



شهروند | در دولت هاشمی بیش از حد هزینه‌تراشی شد تا آنجا که تورم به ۴۹ درصد رسید. آن روزها به آیت‌الله هاشمی گفتیم: مدیران تویبشتر قاتل پول هستند تا خالق پول. ناچار آمدی مدیران اقتصادی را باعث شد هاشمی با دلار ۱۵۰ تومانی کار را آغاز کند و با دلار ۷۰۰ تومانی کابینه اول را تحویل دهد و البته بعد دلار را به ۴۵۰ تومان برساند. گرانی در دولت او آن قدر پدید آمد که تعداد آرای او از ۹ میلیون نفر در دولت اول به ۹ میلیون رأی در دولت دوم رسید. من منکر زحمات هاشمی نمی‌شوم اما هاشمی سنت ایجاد نکرد، نه در اقتصاد و نه در سیاست. مدیران هاشمی هرگز تخصصی عمل نکردند. آنها بیشتر به واردات و پول خرج کردن علاقه‌مند بودند تا توسعه زیرساخت‌ها. اینجاست که من در وزارت پست و مخابرات ریالی کمک دولتی نگرفتم و تمام کشور زیر پوشش شبکه مخابرات رفت، آن هم تنها با کمک‌های خود مردم و دودبعای که آنها در اختیار دولت گذاشتند. در واقع این مردم بودند که زیرساخت‌های مخابراتی را ایجاد کردند و توسعه دادند. بارها گفتام؛ مخابرات از ابتدا خصوصی و متعلق به مردم بود، زیرا پول مردم ایجاد و توسعه یافت و تنها حاکمیت آن با دولت بود. این رفتار در سایر وزارتخانه‌های اقتصادی تکرار نشد و مدیران تنها خرج‌تراشی می‌کردند. به همین دلیل است که می‌بینیم هر زیرساختی که در آن سال‌ها وابسته به بودجه دولت بود، رشد نکرد. راه‌آهن، شبکه جاده‌ای و حمل‌ونقل کشور از جمله این بخش‌ها هستند. هاشمی اما، به بخش‌هایی که برای خودش منفعت داشت، ایجاد ثروت، من در وزارت پست و شبکه گاز در دوران هاشمی رشد پیدا کرد. سدسازی‌های خوبی در دوره او انجام شد و نیروهای انسانی زنده و فرهیخته‌ای که از سال‌های جنگ به یادگار مانده بودند، توانستند عملیات موفق در احداث سد‌ها انجام دهند اما در دولت هاشمی رشد همگن اتفاق نیفتاد. به بعضی بخش‌ها زیاد از حد، توجه شد و بعضی بخش‌ها نادیده گرفته می‌شد و همین نبود رشد همگن باعث می‌شد بار اقتصاد کشور زمین‌بفتد. هاشمی شخصیتی بود که به‌نوگرایی علاقه فراوانی داشت. مدیران را به اقتصاد ایران تزریق کرد. به‌عنوان مثال و در راستای نگاه لیبرالی که به اقتصاد داشت، مناطق آزاد را در کشور ایجاد کرد و قوانین خوبی برای آن گذاشت اما همین مناطق آزاد به ترمین‌های گلوگاه‌های فساد تبدیل شدند. نقش آنها توسعه صادرات محور به دروازه‌ها و واردات تغییر کرد. او ساختار مدرن ایجاد می‌کرد اما ساختار مدرن با مدیریت و نگاه سنتی اداره می‌شد برای همین این ساختارها، انت و فسادآمیز شدند. من فکر می‌کنم هاشمی در اقتصاد باید نهادی اجتماعی را تقویت می‌کرد. او اما نه تنها این کار را نکرد، بلکه طیف مخالف را حذف کرد و از طیف فرهیخته و فته‌ای که از دهه ۱۳۰۰ ایجاد شد، طیف خفته را ترحیم داد.

## قحطی پس از جنگ را کنترل کرد

اکبر ترکان | وزیر راه و ترابری دولت هاشمی



شهروند | بزرگ‌ترین نگرانی که جنگ برای دولت‌ها به وجود می‌آورد، بروز قحطی و زوال فقر ضعیف و محروم است. این نگرانی بزرگ‌ترین دولت اکبر هاشمی رفسنجانی به خوبی کنترل شد. البته این تدبیر اقتصادی از دولت شهید رجایی آغاز و ستاد بسیج اقتصادی تشکیل شد که ساماندهی آن را به‌عهده می‌داد. بعد از دولت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ستاد بسیج اقتصادی به خوبی توانست مدیریت ارزاق خانوادها را به عهده بگیرد. در آن زمان دفترچه‌هایی با عنوان دفترچه بسیج اقتصادی به مردم تحویل داده شد و با سر کوپن‌های انواع کالاها اساسی سبد غذایی خانوار با قیمت مناسب توزیع می‌شد، از برنج و روغن نباتی گرفته تا کره و پنیر. این موضوع باعث شد که ارزاق عمومی در دوران قحطی پس از آن کمیاب نشود و فشار و ناهنجاری اجتماعی رخ ندهد. این مدیریت اقتصادی سال‌های جنگ و پس از آن به خوراک مردم محدود نشد و بسیاری جنبه‌های اقتصاد خانوار را تحت پوشش قرار داد. به‌عنوان مثال، اگر در آن زمان کسی می‌خواست خانه بسازد، پس از دریافت مجوز از شهرداری افراد با مراجعه به شورای محله، حواله‌هایی آهن و سیمان دریافت می‌کردند یا کسی می‌خواست لوازم خانگی خریداری کند، می‌توانست خود را از تعاونی‌ها خریداری می‌کرد، زیرا دولت ترتیبی ایجاد کرده بود تا محصول کارخانه‌های تولیدی در شبکه‌های تعاونی توزیع شود. بعد از پایان جنگ دولت هاشمی باید اقتصاد جنگی را به اقتصاد عادی تبدیل می‌کرد و شبکه توزیع را ساماندهی می‌کرد و نظام بازار را برقرار می‌کرد. این فرآیند، فرآیند بسیار مهمی بود که هاشمی رفسنجانی به خوبی توانست از عهده آن برآید. در زمان دولت هاشمی ۱۷ شهر ایران و ۴ هزار روستا ویران شده بود و ۱۵ میلیون نفر در بنیاد مهاجرین اسکان داده شده بودند. بنابراین لازم بود، کار عمرانی بسیار وسیعی انجام شود تا این جمعیت مهاجر بتوانند به خانه و کاشانه خود برگردند. ضمن این که دولت ناچار بود برای خیل عظیمی از مردم ایران اشتغال و محل درآمد ایجاد کند. این بار بزرگ اقتصادی به دوش دولت هاشمی رفسنجانی بود. او نه تنها این مرحله حساس از اقتصاد کشور را مدیریت کرد و تلاش کرد تا اقتصاد ایران به شرایط عادی برگردد، بلکه سعی کرد اقتصاد ایران را از حالت دولتی به اقتصاد آزاد تبدیل کند. ایجاد مناطق آزاد قشم، کیش و چابهار در دوران آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به نوعی شروع این اقدام بود. دولت تلاش کرد تا با ایجاد اقتصاد آزاد در اشل و سایز کوچک‌تر در مناطق آزاد زمین‌های را فراهم کند که اقتصاد آزاد به تمام جغرافیای کشور گسترش پیدا کند. بنابراین آقای هاشمی در اقتصاد ایران یکی از سخت‌ترین و دشوارترین مراحل را به عهده گرفت و من به‌عنوان وزیر کابینه ایشان خودم را در حد مدیر در این فرآیند بزرگ نمی‌بینم. او مدیر و بزرگ همه ما بود و ما به‌عنوان همکار ی کوچک در کنار او تلاش کردیم تا اقتصاد کشور را به وضع عادی برگردانیم.

## اقتصاد دولت سازندگی به روایت نمودار

